

اعتراضات ایرانیان در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در ژنو در روز ۱۵ فوریه

دوشنبه ۳ اسفند ۱۳۸۸ - ۲۲ فوریه ۲۰۱۰

اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران و نه به جمهوری اسلامی
تصاویری از آکسیون اعتراضی در برابر سازمان ملل متحد در ژنو
همزمان با برگزاری هفتمین نشست شورای حقوق بشر (۱۵ ژانویه ۲۰۱۰
از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر)
همگامی نهاد های شهری در پشتیبانی از مبارزات مردم و کاروان های
حقوق بشر



بمناسبت آغاز هفتمین اجلاس دوره ای شورای حقوق بشر سازمان ملل
متحد پیرامون بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران ، تعدادی از نهادهای،
چپ، مترقی، دموکرات و مدافع حقوق بشر، گروه ها و افراد در تاریخ
15 فوریه، به برگزاری یک آکسیون اعتراضی در مخالفت با جنایات
رژیم و در دفاع از حقوق مردم در مقابل دفتر این سازمان در شهر
ژنو اقدام کردند. در سازماندهی این حرکت اعتراضی همگامان ما از
سوئیس نیز شرکت داشتند و نیز تعدادی از همگامان ما از شهر های
مختلف اروپا در این حرکت اعتراضی شرکت کردند. گزارش زیر توسط
تعدادی از همگامان تهیه شده، که برای تان ارسال می کنیم.

سازماندهندگان:

شبکه ای از ۷۸ نهاد حقوق بشری و تشکل های مدنی در اروپا، کانادا
و آمریکا، در اعتراض به نقض گسترده و برنامه ریزی شده ی حقوق
بشر،

همگامان ما از نهادهای شهری در سوئیس

در میدان اصلی مقابل دفتر سازمان ملل تعدادی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر
از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر حضور داشتند. نزدیک به ۶۰ درصد
از حاضرین را افراد متمایل به چپ دمکرات و مترقی تشکیل می دادند
که شعارمحوری شان «نه به جمهوری اسلامی» بود.

در میان شرکت کنندگان در این آکسیون هواداران سازمان ها و نهاد های چپ و سوسیالیستی(راه کارگر، اتحاد فدائیان خلق، شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران، جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران و...)، حزب دمکرات، کومه له و تعدادی از فعالین از کنگره خلق های ایران حضور داشتند.

تعدادی بالغ بر ۵۰ تا ۶۰ نفر از سازمان مجاهدین نیز در یکی از پیاده روها با در دست داشتن عکس هائی از خانم و آقای رجوی تجمع کرده بودند.

عمده افراد شرکت کنند از سویس، اتریش، کلن، برلن، پاریس، فرانکفورت بودند. از شهرهای ماینس، بروکسل، دن هاگ، هانوفر و. نیز کشورهای کانادا تعدادی در دسته های چندنفره و یا به تنهایی به ژنو آمده بودند.

تعدادی از شهروندان فرانسوی متعلق به جریانات چپ از پاریس و یک شهر دیگر فرانسه در این آکسیون حضور فعال داشتند.

دو پیام در همبستگی با مبارزات مردم از فرانسه، یکی از طرف حزب سبزه های سویس و پیامی نیز از طرف امنستی در این آکسیون قرائت شد.

در سازماندهی آکسیون نقاط ضعف بسیاری به چشم می خورد. چه از طرف خود ما و چه از طرف ۷۸ نهاد دیگر. اگر چه اعلامیه، بیانیه و تراکت به زبان های مختلف وجود داشت، ولی تراکت به زبان فرانسه به ندرت به چشم می خورد.

اگر چه سازماندهی محل، گرفتن جا و زدن سن و چادر بسیار خوب انجام گرفته بود، اما تکنیک(میکروفن و بلندگوها، برق و...) عملاً از کار افتاده بود و تا آخرین لحظه کاربردی نداشت. امکانات محدود ما از هانوفر، اگر چه جواب گو نبود، ولی تا حدودی تامین کننده نیاز های اولیه ما بود.

اشاره ای کوتاه به آنچه در درون اجلاس سازمان ملل و دور از چشم ما انجام گرفت

در جلسه سه ساعته بررسی وضعیت حقوق بشر ایران در نشست روز دوشنبه ۱۵ فوریه دلیگاسیونی از ایران شرکت داشت و نماینده رژیم در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، محمد جواد لاریجانی به قلب واقعیت های موجود در ایران پرداخت. پس از ارائه گزارش او، اعضای اروپائی و آمریکائی شورای حقوق بشر، دولت ایران را بخاطر نقض وسیع حقوق اولیه انسان ها، دستگیری و اعدام شرکت کنندگان در تظاهرات آرام و دستگیری اعضای جامعه بهائیت ایران محکوم کرده و توصیه های خود را برای رفع این موارد ارائه نمودند. تعداد زیادی از کشورهای که بخش اعظم شان، خود ناقض حقوق بشراند، به دفاع از رژیم اسلامی

ایران پرداختند. در این رابطه نقش چین، روسیه، برزیل، پاناما، کوبا، نیکارگوا، ژاپن، برخی از کشورهای اسلامی و کشورهای آمریکای لاتین در دفاع از جمهوری اسلامی حائز اهمیت بود. جمهوری اسلامی با تدارکات و آمادگی کامل و به احتمال بسیار زیاد ساخت و پاخت های پشت پرده با بسیاری از این کشورها در نشست شرکت نموده بود. در بخش سئوال و جواب ها ظاهرا نمایندگان نهاد های غیر دولتی دلیگاسین ایران از جامعه آسوریها و خانم پروفیسور فاطمه مبشری، نماینده زنان ایران از جمله مدافعان و سخن گویان جمهوری اسلامی بودند.

چندین بیانیه و نوشته چه از طرف ۷۸ نهاد دفاع از حقوق بشر تحت عنوان "حضور مشترک کاروان های حقوق بشر در برابر مقر سازمان ملل متحد در ژنو در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران"، چه بیانیه "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و اتحادیه آزاد کارگران" و چه بیانیه ما "همگامی در دفاع از مبارزات مردم ایران و نه به جمهوری اسلامی" و چندین نوشته و متن دیگر در محل اجلاس در اختیار وسائل ارتباط جمعی و برخی از نمایندگان قرار گرفتند.

در تمامی این بیانیه ها نکات مشترک زیادی وجود داشتند، که بر مبنای آن اپوزیسیون می توانست حرکت اعتراضی سازمان یافته تری را در ژنو در برابر رژیم انجام دهد. خواست های عمومی همه، مبنی بر لغو مجازات اعدام، شکنجه و اذیت و آزار، آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی از جمله فعالین کارگری و دیگر فعالین جنبشهای اجتماعی، آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکل، آزادی بیان و اجتماعات، برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی، از جمله مسائل و خواست هائی است که کم و بیش در تمامی این بیانیه ها به آن ها اشاره شده بود. آنچه ما (همگامان شهری و ۷۸ نهاد حقوق بشری) را در درون محل اجلاس از دیگران متمایز می کرد، حضور مشترک ما از طریق رابطین جوابگو و مورد تائید جمعی بود، که در آخرین لحظات قبل از شروع اجلاس مورد توافق مشترک قرار گرفتند. در خارج از محل اجلاس باز توانستیم در آخرین لحظه ها محیط دوستانه ای ایجاد کنیم، مشترکات را با هم به پیش ببریم و تفاوت های نظریمان را نیز عنوان کنیم. آن چه همگامان شهری را از دیگران متمایز می کرد، پافشاری و تاکید ما بر "نه به جمهوری اسلامی" بود که به طور عمده در شعار های زیر به شکل های مختلف، اغلب به زبان فارسی و بعضا به زبان های آلمانی، انگلیسی و یا فرانسه به صورت تراکت در گوشه و کنار میدان به چشم می خورد

ویا توسط حاطرین در میدان داده می شد: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد، جمهوری اسلامی نابود باید گردد، ترور، شکنجه، اعدام ملغی باید گردد!"، "نه به جمهوری اسلامی!"، "ولایت حرف مفتی، رژیم باید بیفته!".

تعدادی از افراد، شخصی و یا از طرف جناح های مختلف اپوزیسیون به عنوان کارشناس، شاهد و ناظر نقض حقوق بشر، در نشست حضور داشتند، که شاید در این جا و آن جا قبل از تشکیل جلسه شورا در دیدار با برخی نمایندگان عضو این شورا و خبرنگاران در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران، گزارش هائی را ارائه داده بودند. از جمله خانم شادی امین، خانم شادی صدر، عبدالکریم لاهیجی، اما روشن نبود که این مجموعه افراد شرکت کننده از طرف چه گروه ها و یا کدام یک از مجامع ایرانی به این نشست فرستاده شده بودند و این افراد جواب گوی چه کسی هستند. فردی آمده اند و کار داوطلبانه انجام می دهند، رابط گروه ها و احزاب سیاسی و یا مجامع حقوق بشر هستند و یا طبق مرسوم همیشگی "شخصیت" های خود ساخته اپوزیسیون ایران هستند که در بالای سر اپوزیسیون حضور دائمی دارند، و آن می کنند که خود درست تشخیص می دهند، جواب گوی هیچ کس و جریانی نیستند، در این گونه مجامع هر گاه که بخواهند شرکت می کنند و مجموعه اپوزیسیون نیز به آنها بدهکار است. طبیعتا این گونه افراد می توانند در این جا و آنجا، با برخی از شخصیت های سیاسی از این کشور و یا آن کشور و یا احیانا وسائل ارتباط جمعی تماس بگیرند، اما این گونه اقدامات بدون قبول هر گونه تعهد پذیری و رایزنی جمعی انجام می گیرد و چاره ساز و جواب گوی نیاز مرحله ای جنبش نیست. تجربه ۳۱ اپوزیسیون در خارج از کشور بیان گر این واقعیت است که از این راه نمی توان یک مانع جدی و فعال در برابر حضور رژیم جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی ایجاد نمود.



خانم شادی امین از میان این جمع، گزارش نسبتا جامعی از اجلاس مشورتی به شرکت کنندگان در آکسیون ارائه داد. و پس از او در بعد از ظهر همان روز، آقای لاهیجی و دلیگاسیون سه نفره ای از کنگره خلق های ایران مشاهدات خود را عنوان نمودند.

از طرف نهادهای حقوق بشر چند نفر از دوستان ما از جمله آقای کاظم کردوانی با خواست های مشترک، که مورد توافق هر دو بخش بود، در این نشست حضور داشت و گزارشی نیز از برداشت های خود به جمع ارائه داد. شاید بتوان گفت، این روشن ترین شکل ارتباطی بیرون با درون

اجلاس بود که با توافق ضمنی جمعی انجام گرفت. کمبود اقدامات اساسی مشترک به وضوح دیده می شد. نهادها و سازمان های ایرانی دفاع از حقوق بشر و سازمان های سیاسی باید در مورد ارتباط خود با این گونه مجامع، کار با احزاب سیاسی مدافع حقوق بشر در سطح جهان را به شکل بسیار چشم گیر تری تدارک ببینند. در غیر این صورت، اقدامات لحظه ای ما کاربرد آن چنانی نخواهد داشت. مسئله نقض حقوق بهائیان ایران توسط بسیاری از نمایندگان که نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کردند، در اجلاس مطرح شد. جای آن دارد که این حرکت ارزنده و مستمری که در اثر سال ها کار و فعالیت عمیق و قابل ستایش توسط نهاد های جامعه بهائیان در سراسر دنیا انجام گرفته است، مورد قدردانی مجموعه اپوزیسیون مترقی و دمکرات ایرانی قرار گیرد و شاخصی شود برای فعالیت های حقوق بشری کلیه اپوزیسیون مترقی ایرانی.

چند نکته جانبی

قرار بود که یکشنبه شب، نشستی برای هماهنگی بهتر کارها و توضیح ناروشنی ها و احیانا تفاوت های نظری انجام گیرد، چرا که در میان جمع تدارک دهندگان - نهاد های حقوق بشری و همگامان شهری در مورد شعار "نه به جمهوری اسلامی" اختلاف نظر وجود داشت و هنوز در مورد چگونگی همکاری توافق جمعی حاصل نشده بود.

ساعت ۱۰ تا ۵/۱۲ شب روز یکشنبه ۱۴ فوریه نشستی با شرکت بیش از ۲۵ نفر در "بونکر"، محل خواب دوستان از نهادهای حقوق بشر انجام گرفت. پس از گفت و گوی مختصری، توافق عمومی حاصل شد که به جای پرداختن به بحث های کلی نظری، به طور دقیق در مورد مسائل ناروشن و مورد اختلاف صحبت کنیم.

پیشنهاد ما این بود که ما با خواسته های مشترک حقوق بشری، مطرح شده در بیانیه ۷۸ نهاد حقوق بشری، یکی کمتر و یا دو تا بیشتر موافقیم و بهتر است که دلیگاسیون مشترکی انتخاب کنیم که خواست های مشترکمان را به اطلاع نمایندگان شرکت کننده در اجلاس سازمان ملل و مجامع خبری برساند.

پیشنهاد دیگرمان این بود که به صورت برابر حقوق در دادن شعارها و استفاده از تریبون با هم توافق کنیم. زمانی که شعارهای مشترک داده می شود، همه با هم هستیم. در مورد شعار های مورد اختلاف، هر بخشی از ما شعار خود را می دهد، و یا آن که به طور مثال نیم ساعت ما از تریبون استفاده کنیم و نیم ساعت آنها.

دوستان بر این باور بودند که شعار "نه به جمهوری اسلامی" شعاری است محوری و شکننده که سایر شعارها را تحت الشعاع خود قرار می

دهد، باید از آن صرف نظر کرد و به جای آن شعار "مرگ بر ولایت فقیه" داد، که مورد توافق ما نبود. آنها با ارسال دلیگاسیون مشترک هم موافق نبودند، چرا که قبلا بین رابطین شان با ما تمامی صحبت ها در این مورد شده بود و همه ۷۸ گروه حضور نداشت که بتوانند، در این مورد تجدید نظر کنند.

صرف نظر از یکی دو مورد، در مجموع محیط نه تنها غیر متشنج باقی ماند، بلکه تا حدود زیادی نیز میهمان نوازانه بود و از ما با چای و شیرینی پذیرائی شد. قرار شد که حداقل سعی کنیم که متمدنانه با هم برخورد کنیم. جدا از هم اما در کنار هم رعایت همدیگر را بکنیم.

روز دوشنبه

نزدیک به ساعت ۸ و ۴۵ دقیقه به میدان ناسیون، محل برگذاری آکسیون در مقابل ساختمان سازمان ملل رسیدیم. چادر بسیار بزرگی با گنجایش چندین صد نفر و امکانات بسیار خوب صوتی و نوری، سن بسیار بزرگی برای سخنرانی تدارک دیده شده بود. در مقابل، امکانات صوتی ما که به همراه آورده بودیم، بسیار محقرانه بود. در گوشه ای از میدان دستگاه صوتیمان را روی ماشین سوار کردیم. سرود انتقادی "ای ایران" و شعارهای "نه به جمهوری اسلامی" باب طبع عده ای نبود. اعتراض تنی چند از پیر و جوان حامی "جنبش درون" بلند شد، اما ما با همه دوستان مدارا کردیم.

از آن جایی که غیر قابل پیش بینی بود که مجامع حقوق بشر فاقد برق شوند و همه وسائل برقی و تکنیک شان غیر قابل استفاده شود، دریافتیم که وسائل حقیر صوتی ما، بهترین و ارزنده ترین امکانات صوتی حاضر در میدان است. بی دریغ تمامی امکانات ناچیزمان را در اختیار همه قرار دادیم، به صورتی که حتا برای برخی از دوستانمان این شبهه بوجود آمده بود که دیگر خودمان مجالی برای طرح نظراتمان پیدا نخواهیم کرد. اقبالمان بالا گرفت. رفتار دیگران با ما تغییر پیدا کرد و برای دیگران تحمل پذیر تر شدیم. اگر چه در گزارش هائی که تا کنون از طرف این دوستان از نقاط مختلف و توسط افراد و نهاد های گوناگون چه به صورت نوشته و چه تصویری برای سایت ها ارسال شده اند، گویا ما وجود خارجی نداشته ایم و حتا به گونه ای محو شده ایم، اما به درستی می توان گفت که ما بر مبنای باورهای دمکراتیک، برابر حقوقانه و چپ مان، تا آنجائی که می توانستیم، کوشش کردیم که کلیه امکانات خود را در اختیار همه قرار دهیم.

از طرف رابطین ۷۸ نهاد پیشنهاد شد که یک گفت و گوی مجدد تدارکاتی ترتیب دهیم و کارهایمان را هماهنگ کنیم. دونفر پیشنهاد شده بودند. کاظم کردوانی و بهمن امینی و از طرف همگامی نهاد ها جمشید

مهر و اصغر اسلامی، کاظم در یک گفت و گوی بسیار دوستانه و کوتاه تمایل درونی خود را بر همکاری و همگامی مشترک عنوان نمود. مشکل حل شد. ما توانستیم با حسن تفاهم به برگزاری مشترک این حرکت اعتراضی بر مبنای توافقات و طرح مسائل نظری خود بر مبنای تمایلات اقدام نمائیم.

جمع بندی

آکسیون ما در تمامی زمینه ها فاقد سازماندهی های لازم بود. تخمین روشنی از تعداد شرکت کننده در آکسیون نداشتیم. تعداد شرکت کننده در آکسیون (۷۸ سازمان مدافع حقوق بشر، به اضافه تعدادی از نهاد های شهری مانند پاریس، زوریخ، فرانکفورت، ژنو، ماینس، هانوفر، حزب دمکرات کردستان ایران، کومه له، کنگره خلق ها و...) ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر بود. این رقم بیان گر این واقعیت است که ۷۸ سازمان و نهاد امضا کننده بیانیه به طور متوسط هرکدام کمتر از ۳ نفر را بسیج کرده بودند. بیشتر از ۶۰ درصد شرکت کنندگان را طرفداران "نه به جمهوری اسلامی" تشکیل می دادند که یا به طور مستقل و یا از طریق ارتباط با همگامان ما و نهاد های دیگر شهری آمده بودند. اگر نهاد های حقوق بشری از حداقل های خودشان نیز به صورت نسبی استفاده کرده بودند، تعدادی به مراتب بیشتری در محل جمع می شدند. اگر چه مبالغ زیادی خرج شده بود، زحمات زیادی در سازماندهی کشیده شده بود، ولی در به کار گیری امکانات ابتدائی مانند گرفتن اجازه برای استفاده از برق و یا دیگر امکانات مقدماتی تا حدودی سهل انگاری شده بود. اگر امکانات ابتدائی و پیش پا افتاده ما نبود، حتا قادر نمی شدیم که صدای خود را به گوش تعدادی از جمعیت حاضر در میدان برسانیم، چه رسد به گوش دیگران.

از وسائل ارتباط جمعی سوئیسی در هنگام برگزاری آکسیون خبری نبود. در صورتی که در محل برگزاری اجلاس حقوق بشر سازمان ملل متحد به اندازه کافی خبرنگار حضور داشت. بین مجمع و میدانی که ما در آن حضور داشتیم ارتباط روشن و دقیقی وجود نداشت و در این مورد نیز گویا فکری نشده بود. بعدا با خبر شدیم که مجمع خبری در این جا و آن جا، با این شخصیت و آن شخصیت در مورد این آکسیون گفت و گو هائی داشته اند و در برخی از سایت های ایرانی نیز از این طریق و یا آن طریق گزارشی در مورد آکسیون انتشار یافته است.

بخش عمده ای از شخصیت های سیاسی ایرانی که در نشست شرکت کرده بودند، از جمله خانم شیرین عبادی و خانم شادی صدر، هیچ گونه مسئولیت جمعی از خود نشان ندادند. به طور روشن ما سایه آنها را هم در میان جمعیت حاضر در میدان ندیدیم. اگر چه گفته شد که خانم شادی صدر دومرتبه در میدان حضور داشته اند، ولی گویا ایشان به

دلایلی که برای ما ناروشن است از شرکت مستقیم در آکسیون و ارائه گزارش نشست به جمع ما، خودداری کردند. همین گونه نیز در ۱۰ دسامبر در دن هاگ عمل کردند. خانم عبادی نیز طبق معمول اگر چه فعلا به دلائل عدیده در خارج بسر می برند، ولی به نظر می رسد که به علت حساسیت شدیدشان در مقابل "نه به جمهوری اسلامی" در این گونه جمع های ضد رژیمی ظاهر نمی شوند.

حضور آقای لاهیجی و یا رابطین کنگره خلق ها نیز در میدان و طرح مشاهداتشان، همه و همه بیشتر داوطلبانه بود. این افراد نیز می توانستند در میدان حضور پیدا نکنند، جواب گوی کسی نبودند و یا کسی نمی توانست از آنها بازخواست کند.

این وضعیت اسفبار اپوزیسیون سیاسی ما در خارج از کشور است. در داخل کشور، که امکان و امنیت برای فعالیت وجود ندارد و در خارج نیز، اگر چه تا حدود امکاناتی هست، ولی نه نهادهای سیاسی لازم موجودند، که به سود مبارزات مردم از این گونه امکانات استفاده کنند و یا در صورت عدم توانائی تشکیلاتی و یا فردی، افرادی را برای انجام این گونه فعالیت ها به کار گمارند و یا تربیت کنند.

به گمان ما، جنبش اعتراضی ما در خارج از کشور تا زمانی که نهادهای نشود، تا زمانی که ما نتوانیم ارتباطات منسجم سیاسی میان نهاد های فعال شهری و یا سازمانهای سیاسی فراهم آوریم، آب همین آب است و کوزه همین کوزه.

لازمه بلوغ اپوزیسیون در آمدن اش از زیر سایه شخصیت های خود ساخته و خود پرداخته است. نهاد سازی ضرورتی حیاتی برای آینده ایران و تضمین دمکراسی در ایران است.

نقاط برجسته این آکسیون

نقطه قوت این آکسیون شفافیت هر چه بیشتر آن، تداوم آن و درس گیری از نقاط ضعف آن است و این اقدامی است که ما شروع کرده ایم.

تجربه ما نشان داد که می توان در فعالیت های عملی نکات مشترک زیادی پیدا کرد. اگر چه این نکات بیان کننده تمامی تمایلات ما نیستند، اما می توان بر مبنای آن و با استفاده از آن به تداوم و ائتلاف جنبش های اعتراضی دامن زد و تبادل تجارب کرد. چندگونگی ها را تایید کرد و بر مبنای مشترکات حرکت و عمل نمود و همگامی را در شکل های نو، متنوع و باز، تجربه کرد و شکل جدیدی از کار جمعی را آزمود.

جنبش اعتراضی مردم در حال شکوفائی است. نهادهای شهری هسته ها و پل های ارتباطی عملی این جنبش در خارج اند. اگر چه این طور به نظر می رسد که نهاد ها از یک توان گسترده ارتباطی برخوردار

نیستند، اگر چه این گونه به نظر می رسد که برای همگامی میان این نهاد ها، ما راه سخت و پر پیچ و خمی را در برابر خود داریم. اگر چه راه سهل و ساده ای نیست و به سرعت نمی توان پیروزی را در آغوش گرفت، ولی باید پذیرفت که این راه، یگانه راهی است که می تواند ارتباطات سالم و گسترده افقی پایدار میان احاد جنبش دمکراتیک و مترقی ایرانی در خارج از مرزهای ایران ایجاد کند.

آخرین اشاره

این گزارش در نشست پالتاکی همگامان شهری در روز یکشنبه ۲۱ فوریه مورد تبادل نظر قرار گرفت. تغییراتی جزئی در آن داده شد و برای انتشار به سایت ها ارسال می شود.

شرکت کنندگان در آکسیون اعتراضی در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در ژنو

گروه کار ها نو فر

همگامی کانون ها، نهادها و مجامع ایرانی در همبستگی و دفاع از مبارزات مردم ایران و "نه به جمهوری اسلامی" در اروپا

برای اطلاع بیشتر، شرکت فعال در این همگامی میان مجامع دمکراتیک شهری و یا تماس با ما:

(آلمان): «حسین نقی پور: ۰۰۴۹۱۷۶۸۱۰۷۰۴۴۳»، «اصغر اسلامی:

۰۰۴۹۱۷۶۲۲۰۸۴۷۳۲»، «نصرت: ۰۰۴۹۱۷۱۸۳۵۲۵۸۳»

(هلند): «احمد پوری: ۰۰۳۱۷۰۳۰۵۰۴۱۵» تلفن دستی: ۰۰۳۱۶۴۲۴۸۹۸۶۸

(سوئیس - زریخ: خسرو: ۰۰۴۱۷۸۹۱۰۹۷۸۹)